



نقش جلوه‌های بصری هنر اسلامی در افزایش یادگیری آموزش آنلاین زبان خارجی از نگاه پست‌مدرنیسم

آیدین مختاری نژاد^۱ ID، آرمین فاضل‌زاد^۲ ID، الهام رحمانی^۳ ID

^۱ گروه آموزش زبان آلمانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، aidin23nejad@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) گروه آموزش زبان آلمانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، arm.fazelzad@iauctb.ac.ir

^۳ گروه آموزش زبان آلمانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، e_rahmani1350@hotmail.com

چکیده

ظهور و گسترش پدیده پست‌مدرنیسم در سال‌های اخیر در زمینه‌های مختلف زندگی اعم از هنر و علوم اجتماعی تا زندگی روزمره انسان قابل توجه بوده و تأثیر این رویکرد در سیستم آموزش زبان خارجی نیز حائز اهمیت می‌باشد. همان‌طور که آموزه‌های پست‌مدرنیسم توانسته در کشورهای صنعتی باعث پیشرفت و رشد می‌شود، این رویکرد جدید می‌تواند کلاس آموزش زبان خارجی را نیز به طرز مثبتی تحت شعاع قرار دهد. کتب و مقالات متعددی در خصوص پست‌مدرنیسم و تأثیر آن در امور زندگی انسان قابل دستیابی است ولی هدف این پژوهش روشن‌ساختن جلوه‌های بصری هنر اسلامی و پست‌مدرنیسم در کلاس آموزش و یادگیری زبان خارجی است. روش انجام پژوهش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای است. بدین ترتیب، ابتدا ویژگی‌های پست‌مدرنیسم به‌عنوان یک حرکت یا یک دوره مابعد تجدد (مدرنیسم) به‌طور خلاصه بر شمرده شد؛ سپس به تأثیر هر کدام از ویژگی‌ها و رویکردها در کلاس آموزش زبان خارجی پرداخته شد؛ سرانجام نتیجه گرفته می‌شود که این ویژگی‌ها می‌تواند بر یادگیری، کشف خلاقیت، انعطاف‌پذیری، فرهنگ‌آموزی، توانایی کار تیمی و سایر مهارت‌های مورد نیاز یادگیری زبان خارجی تأثیری مثبت و روبه‌جلو داشته باشد.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین مفهوم پست‌مدرنیسم در کلاس آموزش زبان خارجی.

۲. ارائه پیشنهادات جهت برگزاری کلاس آموزش زبان مبتنی بر اصول پست‌مدرنیسم و کاربرد جلوه‌های بصری هنر اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. معنای پست‌مدرنیسم در کلاس آموزش زبان خارجی چگونه تعریف می‌شود؟

۲. نحوه برگزاری کلاس آموزش زبان مبتنی بر اصول پست‌مدرنیسم و کاربرد جلوه‌های بصری چیست؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۷۸۴ الی ۷۹۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

زبان خارجی،

آموزش،

یادگیری زبان خارجی،

پست‌مدرنیسم

برنامه درسی.

ارجاع به این مقاله

مختاری نژاد، آیدین، فاضل‌زاد، آرمین، &

رحمانی، الهام. (۱۴۰۲). نقش جلوه‌های

بصری هنر اسلامی در افزایش یادگیری

آموزش آنلاین زبان خارجی از نگاه پست

مدرنیسم. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)،

۷۸۴-۷۹۷.



[dorl.net/dor/20.1001.1.*](https://doi.org/10.22034/IAS.2023.384187.2159)

***** ***/



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2023.384187.2159)

.2023.384187.2159

مقدمه

مفهوم پست‌مدرنیسم در قرن نوزدهم مطرح گردید. به طوری که در اواخر دهه ۵۰ میلادی در زمینه‌های مختلفی از جمله علوم طبیعی و هنر به جامعه‌شناسی، سیاست، فرهنگ، فلسفه و تعلیم و تربیت ظهور یافت و در نهایت در دهه هفتاد به معماری رسید و این دیدگاه که به نظر برخی متفکرین در کتاب «وضعیت پست‌مدرن» لیوتار در سال ۱۹۷۹ برجسته شد، همه مؤلفه‌های دوره مدرنیسم و نیز دوران سنت را به نقد می‌کشد. طی سال‌های دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰ میلادی در اروپا شاهد سربرآوردن جریانات فکری و نظری متعددی در حوزه‌های مختلف دانش بشری به‌ویژه در علوم انسانی و علوم اجتماعی هستیم (نوذری، ۱۳۷۰: ۸۲-۸۱). پست‌مدرنیسم اصطلاح بسیار بحث‌برانگیزی است که موجب واکنش‌های بسیار تندی در حوزه‌های فکری گوناگون، در ابعاد نظری و سیاسی شده است. امروزه با پیشرفت تکنولوژی و تحولات حاضر در عرصه‌های گوناگون نیاز به تغییر و تحول در سیستم آموزشی زبان به شدت احساس می‌شود. پرواضح است مقالات و کتب مطرح در این زمینه به‌طور جامعی به بحث آموزش و پرورش در دوره پست‌مدرنیسم پرداخته‌اند؛ ولیکن این موضوع تاکنون در زمینه راه‌کارهای مهم در راستای به‌کارگیری روش‌های موجود و نحوه یادگیری زبان خارجی مطرح نگردیده است و در این مقاله سعی می‌شود با توجه به روش‌های تربیتی و آموزشی در این دوره، به بررسی راه‌کارهای نحوه آموزش زبان خارجی در کلاس بپردازیم.

روشنفکران همواره به دنبال پیشرفت و کمال و در اندیشه دستیابی به زندگی مطلوب و جامعه آرمانی بوده‌اند و از پیشرفت نیز به‌عنوان عنصر مهم و اساسی در مدرنیسم و پست‌مدرنیسم یاد می‌شود. اما اوج شکوفایی پست‌مدرنیسم در دهه هفتاد میلادی بود که فیلسوفان فرانسوی نظیر لیوتار، فوکو^۱، دریدا^۲ مدرنیسم را مورد انتقاد قرار دادند. هرچند که پست‌مدرنیسم بیشتر در فرانسه و آن هم در ارتباط با هنر آغاز گردید، ولی به سرعت به خارج از اروپا و نیز علاوه بر هنر، در سایر رشته‌ها و علوم نیز گسترش یافت و اکنون پست‌مدرنیسم در آمریکا کاربرد عملی و حرفه‌ای یافته و در نظام آموزشی، مدیریت، برنامه‌ریزی، سازماندهی، محیط‌زیست و صنایع، سیاست‌گذاری‌های هنری - فرهنگی و جنبش‌های زنان نقش مؤثری دارد. در ایران، اندیشه پست‌مدرنیسم هنوز جنبه کاربردی نیافته، ولی به تدریج مضامین آن در افکار و اندیشه‌های متفکران بروز یافته است (سجادی، ۱۳۷۹: ۵۱). متفکران هنوز در این خصوص باهم اتفاق نظر ندارند که آیا پست‌مدرنیسم گسست از مدرنیسم است یا تداوم و استمرار آن است یا هر دوی آن‌ها. برخی معتقدند پست‌مدرنیسم مرحله تاریخی بعد از مدرنیسم نیست؛ بلکه در تکمیل و بازنگری مدرنیسم به میان آمده است و نه علیه آن. باقری نیز معتقد است که پست‌مدرنیسم به‌عنوان یک حرکت مابعد تجدد چنین نیست که مرحله تاریخی بعد از مدرنیسم باشد، بلکه به‌معنای نوعی بازنگری در آرمان‌ها یا مبناهای مدرنیسم است. گروهی دیگر نیز پست‌مدرنیسم را تلاشی برای یافتن راهی برای خروج از بحران‌هایی می‌شمارند که مدرنیسم به وجود آورده است (باقری، ۱۳۸۱: ۶۵). لیوتار معتقد است که پست‌مدرنیسم بستری برای نقد و بسط مدرنیسم فراهم می‌آورد. براین اساس، او اعتقاد دارد که

^۱ Michel Foucault^۲ Jacques Derrida

پست‌مدرنیسم، بخشی از مدرنیسم است و به این معنا، پایان مدرنیسم نیست، بلکه وضعیت آغازین آن است. پست‌مدرنیسم درهم‌شکننده قواعد بدیهی ادراک و معنی به مفهوم مدرن است؛ بنابراین هر چیز پیش از آنکه مدرن باشد باید پست‌مدرن باشد؛ یعنی پیش از آنکه هنجارپذیر باشد، باید هنجارشکن و نقاد باشد (باقری، ۱۳۸۱: ۶۶).

البته برخی برآنند که هرگونه تلاش برای به نظم درآوردن و تعریف‌کردن پست‌مدرنیسم با ماهیت آن سازگار نیست، چراکه از صفات بارز فرهنگ و نگرش پست‌مدرنیسم اعتقاد به عدم پیوستگی و نامشخص‌بودن در جهان معاصر است. برخی از پست‌مدرنیست‌ها اساساً منکر داشتن هرگونه آموزه یا تئوری هستند. به تعبیر برخی، شاید هرگونه تصور و بیان خلاصه از پست‌مدرنیسم، متناقض با خود پست‌مدرنیسم باشد. این دیدگاه یعنی گریز از هرگونه اعتقاد به کل. از نظر لیوتار، پست‌مدرنیسم گریز از هرگونه اعتقاد به کلی‌گرایی است که در مدرنیسم مفروض بوده است. نمونه این کلی‌گرایی، اعتقاد به آن است که روح مطلق یا جریان تاریخی گسترده‌ای وجود دارد که حرکت جوامع در بطن آن شکل می‌گیرد. شکستن این نوع اندیشه کلیت‌گرا حرف اساسی پست‌مدرنیسم است. در دوران پست‌مدرنیسم دیگر اعتقاد به باورها و نظریات جهان‌شمول، از بین رفته است و الگوهای قدرت در این دوره کم‌تر از گذشته سخت و ثابت‌اند و انسان این دوره به‌دنبال یک هویت یا یک ایدئولوژی باثبات نیست؛ بلکه در پی لذت دنیا، شادی و مصرف‌گرایی است. انسان آزاد خلق شده و باید از قید موانع رها باشد و دانش به انسان کمک می‌کند که از طریق آگاهی رها شود (نوروزی، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

با وجود واگرایی بین هنر و علوم، حجم فزاینده‌ای از تحقیقات کمی نشان می‌دهد که یادگیری علم ممکن است در ارتباط با هنر تقویت شود. تحقیقات معاصر کاوش درباره فرضیه‌های علمی در زمینه علوم عصب‌شناسی در مورد اثر فعالیت‌هایی مانند نقاشی، زیبایی‌شناسی بصری و رقص را آغاز کرده است. یادگیری هنر تجسمی به سیستم پیچیده‌ای از عملکردهای ادراکی، شناختی بالاتر و فعالیت مغز متکی است، بنابراین، یک بستر عصبی مشترک و پتانسیل قوی برای انتقال متقابل فرآیند شناختی در یادگیری و خلاقیت را فراهم می‌سازد. بنابراین بررسی نقش هنرهای بصری اسلامی در آموزش زبان خارجی نکته مهم و قابل بررسی است.

درخصوص بحث پست‌مدرنیسم و تأثیر آن بر کلاس‌های آموزشی مقالات و کتب متعددی چاپ شده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها مقاله تعلیم‌وتربیت در منظر پست‌مدرنیسم به تألیف دکتر خسرو باقری به سال ۱۳۸۱ و نیز مقاله دلالت‌های تربیتی دیدگاه پست‌مدرنیستی لیوتار و نقد آن از حجت‌اله فانی به سال ۱۳۸۳ بوده که در هر دو مقاله به شیوه‌های تربیتی و آموزشی در دوران پست‌مدرنیسم پرداخته و برآنند روش‌های به‌روز آموزشی در این دوران را به تصویر بکشند. مقاله‌ای نیز در زمینه تعلیم‌وتربیت اسلامی در دوران پست‌مدرنیسم توسط مهدی سجادی به رشته تحریر درآمده است و لیکن همچنان جای خالی نوشته‌هایی درخصوص آموزش زبان خارجی در دوران پست‌مدرنیسم به چشم می‌خورد.

۱. پست‌مدرنیسم و آموزش

پست‌مدرنیسم بر رشته‌های مختلفی تأثیر گذاشته و در عرصه تعلیم‌وتربیت و آموزش نیز نگرش‌های جدیدی را مطرح می‌سازد. همان‌طور که در بخش‌های قبل اشاره گردید، بحث به‌روزرسانی سیستم‌های آموزشی و تعلیم‌وتربیت به‌عنوان بخشی جدانشدنی از نظام آموزشی حاضر به‌شدت حائز اهمیت است و آموزش زبان خارجی نیز از این قاعده مستثنی نیست. هدف از نگارش این مقاله، مطالعه و بررسی آموزش زبان خارجی براساس دیدگاه پست‌مدرنیسم است. این دیدگاه دارای ویژگی‌هایی نظیر ساختارشکنی، انکار حقایق مطلق، تمرکز زبان و فرهنگ، کثرت‌گرایی، تمرکززدایی از عقل و عقلانیت است که هر یک تأثیر به‌سزایی در عرصه تعلیم‌وتربیت و آموزش زبان داشته است. یادگیری زبان خارجی در جهان امروز رو به همگانی‌شدن است و به‌صورت تقاضای اجتماعی درآمده است. در جهان معاصر، اصول، مبانی و آموزه‌های پست‌مدرنیستی در حال گسترش است، آن‌گونه که در عرصه‌های مختلف علمی چون سیاست، هنر، ادبیات و ازجمله تعلیم‌وتربیت، مسائل جدیدی را رقم زده است. شناسایی روش‌های آموزشی براساس دیدگاه پست‌مدرنیسم و پی‌بردن به نقاط قوت و ضعف آن در سیستم آموزش زبان خارجی می‌تواند آمادگی لازم برای مواجه‌شدن با این پدیده نوظهور که همچنان در حال پیشرفت و فراگیری است را در اختیار ما قرار دهد. ساخت و تولید دانش به‌وسیله فراگیر، عدم تأکید بر تجارب گروه‌های مسلط، کنار گذاشتن آزمون‌های استاندارد، تأکید بر شناخت به‌جای حفظ و یادآوری که ازجمله ویژگی‌های مهم آموزش پست‌مدرنیسم هستند که اجرای تمامی آن‌ها در کلاس آموزش زبان خارجی، این‌گونه کلاس‌ها را به کلاس پست‌مدرن تبدیل خواهد کرد و سیستم آموزشی را در رده شیوه آموزشی پست‌مدرنیسم قرار خواهد داد. باتوجه‌به اینکه سیستم آموزشی پست‌مدرنیسم به‌هیچ‌عنوان بر حذف معلم از سیستم آموزشی تأکید ندارد و تنها به‌علت تغییرات پدیدآمده در روش‌های آموزش و یادگیری، نقش معلم دستخوش تغییر گشته است، بررسی و برشمردن این تغییرات در نحوه ایفای نقش معلم بر سر کلاس آموزش زبان خارجی نیز در این مقاله گنجانده خواهد شد. همچنین برنامه درسی دانش‌آموز - محور مورد تأکید است و دانش‌آموز پست‌مدرن از آزادی‌های بیشتری در جهت کسب اطلاعات برخوردار است که همه‌وهمه باعث ایجاد تغییر در نقش یادگیری وی نیز خواهد شد که در این مقاله نیز به آن اشاره خواهد شد. بدین منظور سعی بر آن است تا در مقاله حاضر ابتدا ویژگی‌های پست‌مدرنیسم و تأثیرات آن بر نظام آموزشی برشمرده‌شده و سپس این ویژگی‌ها شامل اهداف، برنامه درسی، روش آموزشی در کلاس آموزش زبان خارجی مورد بررسی قرار گیرد.

در عصری که بارزترین ویژگی آن تغییر و انعطاف‌پذیری است، به‌نظر می‌رسد که نظام آموزش نباید از تغییرات و سازگاری با شرایط جدید عقب بماند و چیزی که برنامه درسی سنتی ارائه می‌کند، دیگر نمی‌تواند دانش‌آموزان را برای بقا و توسعه بیشتر در عصر پست‌مدرنیسم آماده سازد. هیچ نظام آموزشی نمی‌تواند نسبت به تحولات گسترده و سریع بی‌تفاوت باشد و نفوذ آن‌ها نادیده بگیرد. تعلیم‌وتربیت پست‌مدرنیسم، مبانی جهانی و ثابت و واحدی ندارد، بلکه محلی و موقتی است؛ بنابراین بر گفت‌وگو، کثرت‌گرایی، ارج‌نهادن به تفاوت‌ها، شناخت دیگری، بررسی‌های فرهنگی و تفکر انتقادی تأکید دارد (فانی، ۱۳۸۳: ۷۱). از نکات موردتوجه پست‌مدرنیسم در عرصه تعلیم‌وتربیت ارج‌نهادن آن به

اقلیت‌های قومی، نژادی و جنسیتی و همچنین حمایت از تربیت چند فرهنگ‌گرا است. پست‌مدرنیسم با پذیرش برابری همه فرهنگ‌ها درصدد است از طریق آموزش به تکثر فرهنگی بپردازد (نجاریان و دیگران، ۱۳۸۲: ۹۵).

پست‌مدرنیسم بر گفت‌وگوی عمومی و یا همان گفتمان تأکید دارد. هر کس که می‌تواند اندیشه و ایده خود نسبت به موضوع را در میان بگذارد و یک موضوع با ارزش‌ها واحد و یکسان برای همه وجود ندارد و این گفتمان وسیله‌ای برای تقویت و گسترش تعامل‌های اجتماعی به حساب می‌آید (بیات، ۱۳۸۱: ۱۲۳). پست‌مدرنیسم خطرات مطلق‌گرایی و سلطه دیدگاه‌های اکثریت حاکم، فراروایت‌ها، فراگفتمان‌ها و فرازبانی را آشکار و بر اهمیت دیگر دیدگاه‌های اقلیتی و محلی تأکید می‌کند. اصول تربیتی و برنامه درسی پست‌مدرنیسم باید براساس زندگی فردی و گروهی انسان، توانایی‌های وی و استفاده از تخیلات و میدان‌دادن به تغییرات انتخاب شده و همچنین منعطف باشد. مدرسه و کلاس درس باید عرصه تکثر بازی‌ها و خلق حرکت‌های نو باشد (فانی، ۱۳۸۳: ۷۶).

۲. مقاصد آموزشی در عصر پست‌مدرنیسم

- ارج نهادن به تفاوت‌ها و دیگران (فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، نژادها و زبان‌های گوناگون): هرچند بحث اقلیت‌های قومی و دینی ممکن است جدی گرفته نشود. اما توجه و ارج نهادن به این تفاوت‌ها و نه حذف و طرد آن‌ها، زمینه همدلی و پذیرش بیشتر دانش‌آموزان را فراهم می‌کند، تا ضمن آگاهی از تفاوت‌ها و اختلاف عقاید و باورها در کنار هم همزیستی صلح‌آمیز و به‌دوراز هرگونه تعصب داشته باشند.
- استفاده از روش‌های متعدد در شیوه‌های اداره کلاس و ارائه درس: کلاس درس جامعه‌ای متشکل از روابط و مناسبات پیچیده است. افرادی با عقاید، ارزش‌ها و هویت‌های متفاوت و متضاد اعضای این جامعه را تشکیل می‌دهند، بنابراین برای تبیین و تنظیم فرایندهای پیچیده کلاس، نباید به نظریه‌ها، منابع و شیوه‌های محدود و معین سنتی اکتفا کنیم که در غیر این صورت با بی‌علاقگی، بی‌نظمی، افت تحصیلی و ترک تحصیل مواجه خواهیم شد.
- استفاده از متون و منابع متنوع در تدوین و اجرای برنامه درسی: ما در جهانی ناهمگون زندگی می‌کنیم و کلاس درسی باید در سطح هر مقطع آموزشی بتواند آموزش و تربیت نسلی جدید با باورها و عقاید و اعتقادات جدید که به زندگی صلح‌آمیز و عادلانه در جهانی با ارزش‌های متفاوت و متضاد فراخوانده می‌شوند را برعهده داشته و به شایستگی به آن جامه عمل بپوشاند، در غیر این صورت عدم توجه و اهمیت به روزرسانی تعالیم، آموزش و تعلیم و تربیت برای این نسل دلپذیر و لذت‌بخش نبوده و حتی ممکن است به ورطه نابودی کشیده شود. بهتر است متون براساس نیاز انسان پست‌مدرن باشد و حس زیبایی‌شناسی، رهایی و شادی را برای وی به ارمغان آورد.
- فراهم کردن زمینه ارتباط متقابل محصلان با یکدیگر و با معلم: این فرایند می‌تواند از نوع گروه‌بندی کلاس و ایجاد فضای مشورت و همفکری محصلان با یکدیگر باشد. یادگیری با مشارکت معلم و شاگردان نکته

ارزشمندی است و تعلیم و تربیت معاصر کشور به معلم یادگیرنده نیاز دارد. توجه پست‌مدرنیسم، بیش از آن که بر جنبه‌های عینی و عملی نظیر اخلاق باشد، بر جنبه‌های زبان‌شناختی و به تعبیر دیگر، بر جنبه‌های گفتمانی است. در این مورد، بیشترین تأثیر از آن دیدگاه‌های دوسوسور، دریدا و لیوتار است (سجادی، ۱۳۷۹: ۵۷-۵۸). علاوه بر آن تربیت شهروندان آگاه در تعلیم و تربیت مدرنیسم و پست‌مدرنیسم مطرح و زمینه‌ساز دموکراسی و به‌ویژه دموکراسی رادیکال است و نحوه اجرای دموکراسی در کلاس دوره پست‌مدرنیسم از طریق دموکراتیزه کردن روابط معلم شاگردان و شاگردان با یکدیگر تقویت می‌شود تا شرایط دموکراسی پست‌مدرنیسم در آنجا رعایت گردد.

- شرکت عادلانه محصلان در فعالیت‌های تربیتی براساس تفاوت‌های فرهنگی، نژادی و قومی: در محتوای برنامه درسی به فرهنگ‌های قومی و دینی گوناگون توجه شود. گنجانیدن شرح مراسم، باورها و عناصر فرهنگی و هنری اقلیت‌های گوناگون در متون درسی گامی در راستای ارج نهادن به اقلیت‌ها است (فانی، ۱۳۸۳: ۸۲).
- فراهم کردن زمینه انتقاد و پرورش تفکر انتقادی، پرورش تفکر انتقادی: یعنی از دانش‌آموزان خواسته شود نظر خود را راجع به آنچه در کلاس مطرح می‌شود بیان دارند که لازمه آن هم این است که به‌طور متمرکز در کلاس حضور داشته باشند، به موضوع و بحث گوش داده باشند و آن را از دیدگاه خود نگریسته باشند و نظر خود را به اشتراک بگذارند. دانش و فعالیت‌های از قبل مشخص شده، هرگونه فرصت را برای بروز ایده‌های خلاقانه از بین می‌برد. پست‌مدرنیسم از خواننده می‌خواهد متنی را که می‌خواند، نقادی کرده و با ارتقا بخشیدن به ظرفیت نقادی در خود، آمادگی لازم برای تغییر شکل‌های سیاسی و اجتماعی را پدید آورد (فرم‌هینی فراهانی، ۱۳۸۳: ۵۶).
- فراهم کردن زمینه بروز حداکثر خلاقیت‌ها، حتی در صورت متضاد بودن با جریان حاکم بر کلاس از طریق تشویق کردن و انگیزه دادن جهت بروز اظهارات و خلاقیت‌ها.

باتوجه به طرح ویژگی‌های تربیتی و نحوه آموزش و پرورش در دوران پست‌مدرن، هم‌اکنون به برشمردن ویژگی‌های کلاس آموزش زبان خارجی از دیدگاه پست‌مدرنیسم می‌پردازیم.

۳. پست‌مدرنیسم و آموزش زبان خارجی

اکنون در شرایطی به‌سر می‌بریم که آثار ناشی از تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در زندگی، علی‌الخصوص جوانان، نوجوانان و دانشجویان را شاهد هستیم. گاهی اوقات مفاهیمی همچون جنگ، آزادی، آزادی‌خواهی مفهومی برای زبان‌آموز پست‌مدرنیسم نداشته و یا معنا و مفهوم خود را از دست داده است و شاید آنچه مدنظر نویسنده است، چیزی را در ذهن زبان‌آموز تداعی نمی‌کند و اطلاعاتی که به‌عنوان پیش‌دانسته دارد کامل و کافی نیستند. به‌نظر می‌رسد بعضی از ایدئولوژی‌ها، سنت‌ها، باورهای عامیانه و سبب‌ها دیگر پاسخگو نبوده و در کلاس درس آنچه قاعدتاً باید از قبل در اذهان به‌عنوان پیش‌دانسته وجود داشته باشد تا توانایی درک مطلب بالاتر رود، وجود

ندارد و این نشان‌دهنده فاصله ایجاد شده بین پیش‌دانسته‌های زبان‌آموزان و شرایط حاضر در دوره پست‌مدرنیسم است.

امروز در دنیای رایانه و اینترنت، فراگیران با آزادی کامل و بدون محدودیت با هم در ارتباط‌اند و بدون هیچ مرزی از هویت‌های متنوع و فرهنگ‌های گوناگون تأثیر می‌پذیرند و این مواد و ابزار آموزشی برای همگان در دسترس است. با توجه به اینکه تکنولوژی برنامه‌ها و سیستم‌های آموزش زبان هم گسترده‌تر می‌شود، پس محتویات درسی در کلاس هم باید دستخوش تغییر گردند. مثلاً در کتب درسی آموزش زبان مثال‌های پست، کد پستی، نامه و امثال آن باید کمتر و به جای آن مثال برای ایمیل، پست‌های مجازی باید بیشتر باشد. برنامه‌ریزی درسی برای نحوه تدریس در کلاس آموزش زبان هم باید در حال تغییر و رشد باشد تا با نیاز زبان‌آموزان همراه و هم‌سو باشد و انگیزه‌های آن‌ها را از بین نبرد. موضوعات و متونی که مطرح می‌شوند باید با روحیه آنان سازگاری داشته باشد. البته این موضوع که متن همیشه باید براساس نیازهای روحی و روحیات زبان‌آموزان باشد تا علاقه و انگیزه آن‌ها را برای خواندن، رمزگشایی و نهایتاً یادگیری و همچنین استفاده از دانش به دست آمده بالاتر ببرد، همواره مورد توجه برنامه‌ریزان درسی قرار گرفته است. اما با توجه به تغییرات امروزی دوباره با موج جدیدی از تغییرات روبه‌رو هستیم که نیاز به تغییرات در متون و کتب درسی آموزش زبان را بیشتر می‌کند.

با وجودی که تعریف و توصیف مسائل آموزش زبان از دیدگاه پست‌مدرنیسم شاید دشوار و یا غیرممکن باشد، اما می‌توان بسیاری از جنبه‌های پست‌مدرنیسم را در کلاس زبان توصیف و درک کرد و به لزوم تغییر و نحوه تدریس نسبت به دوره‌های قبل دست یافت. زبان‌شناسان و روان‌شناسان در طول تاریخ همواره به دنبال راهی بودند که به یادگیری روان‌تر، بهتر و سریع‌تر زبان خارجی بینجامد. این هدف در دوره‌های مختلف و طی روش‌ها و کتب مختلف درسی به چشم می‌خورد و با مقایسه و بررسی کتب آموزشی می‌توان به این نتیجه دست یافت. اینکه نحوه تدریس از چه طریقی، چه مفاهیمی را به زبان‌آموز تفهیم کند، همواره مهم‌ترین چالش همه کتب و شیوه‌های آموزش زبان بوده است.

یکی از ویژگی‌های مهم پست‌مدرنیسم شک‌گرایی و عدم باور و اعتقاد به کلیت یا فراروایت‌هاست. همان‌طور که می‌دانیم پیش‌دانسته‌های موجود در ذهن زبان‌آموز بخش عظیمی از مفهوم و درک مطلب را برای او از طریق تداعی و پیوند آنان با مطالب جدید راحت‌تر کرده و ذهن او را برای پذیرش اطلاعات جدید یاری می‌نماید. پست‌مدرنیست‌ها معتقدند در کلاس درس باید فضا برای شنیدن صداهای دیگران مهیا باشد. حال اگر در نظر بگیریم برای طرح‌واره‌های متفاوتی که از قبل در ذهن وجود دارد، پیوندی با اطلاعات جدید قابل یافت نباشد، چه خواهد شد؟ در زندگی پست‌مدرن امکان دارد مرزهای مفاهیم و موضوعات جابه‌جا شده باشد و بعضی از باورها و ارزش‌ها جایگاه خود را از دست داده و یا دستخوش تغییر شده باشند؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که درک مطلب و فهم متن همان‌گونه که باید پیش رود. براساس پست‌مدرنیسم عقل قادر به ارائه یک الگوی جهانی و واحد و معتبر نیست و تغییر در موضوعات و منابع درسی

از منظر کلیت‌گرایی ضروری است و در اینجا است که نقش معلم برای آماده‌سازی اذهان زبان‌آموزان و فعال‌سازی پیش‌دانسته‌های آنان و شاید اصلاح و تغییر آن‌ها در راستای یادگیری بهتر، بیشتر اهمیت می‌یابد.

از ویژگی‌های دیگر پست‌مدرنیسم تأکید بر انگاره‌های متضاد است. یعنی تمایل به ارزش‌ها و ضدارزش‌ها را از بین می‌برد و هیچ‌هنجار ارزشمند و معتبری و هیچ واقعیت خارجی معتبری وجود ندارد که بتواند به هدایت ما و اعمال ما کمک کند. نگاه به همه روایت‌ها و داستان‌ها و نظرها و البته همه فرهنگ‌ها و صداهاست و باتوجه‌به اینکه کلاس آموزش زبان قدم ابتدایی برای یادگیری فرهنگ کشور مقصد است، پس در اینجا باز هم‌مرزهای فرهنگی و یادگیری جابه‌جا می‌شوند و نیاز به حذف سمبل‌های از پیش‌دانسته است که دیگر شاید رنگی نداشته باشد و زبان‌آموز براساس موقعیت و پیش‌دانسته‌های خود و آنچه نویسنده در متن نوشته است ارزش‌ها و ضدارزش‌ها را تعیین می‌کند (سجادی، ۱۳۷۹: ۶۷). وقتی پست‌مدرنیسم اظهار می‌دارد که جهان متعدد و مبتنی بر انگاره‌های متضاد است، یعنی تصویری که ما از یک حقیقت یا نظری که در مورد یک موضوع داریم، محصول داستان‌هایی است که در ذهن خودمان داریم و دنیا و جهانی که با دریچه چشم خود خلق می‌کنیم و چون دنیا‌های ما متفاوت است، پس داستان‌های ما نیز یکدیگر را نفی و رد می‌کنند. ترغیب تفکر خلاقانه در کلاس آموزش زبان از طریق تئوری ساخت‌گرایی وجود داشته و پست‌مدرنیسم هم بر این موضوع تأکید می‌کند و اظهار می‌دارد باید از سمبل‌ها و بایدونبایدهای دانسته‌ها جلوگیری کرد و راه را برای تفکر بازتر و بروز تفکرات هموارتر ساخت. باتوجه‌به اینکه جامعه متشکل است از اقلیت‌های قومی، دینی و زبانی، محتویات آموزشی باید به همین گوناگونی وجود داشته و مورد توجه قرار گیرد. زبان‌آموزان در کلاس‌های زبان از هر زبان و فرهنگی با هم و در کنار هم به یادگیری زبان خارجی مشغول‌اند.

یکی دیگر از ویژگی‌های پست‌مدرنیسم مرکززدایی و مخالفت با هرگونه مرکزگرایی و وحدت‌گرایی است؛ یعنی انکار کردن اینکه انسان، فاعل مشخصی است که می‌تواند واقعیات را بشناسد و باز نمود آن را روشن و قاطع درک کند و دریابد. در اینجا نوعی مرکززدایی صورت می‌گیرد که در آن فاعل از مرکز به پیرامون افکنده می‌شود. متفکران پست‌مدرنیسم تمایل دارند که به نحوی مسائل ناخودآگاه یا اجتماعی را مورد تأکید قرار دهند و فرد را از نقطه مرکزی خارج کنند و این برخلاف افکار دوره‌های قبل است که طبق آن انسان به‌منزله فردی است که دارای آزادی، عقل، قدرت شناخت و قدرت انتخاب است. وقتی در یک سیستم آموزش و یادگیری معلم در مرکز باشد و زبان‌آموزان در حاشیه قرار بگیرند، معلم متکلم وحده باشد و زبان‌آموز تنها شنونده و دریافت‌کننده مطالب و آموزه‌های جدید و بدون هیچ‌گونه تلاش در جهت تولید دانش، چنین سیستمی نیاز به مرکززدایی دارد و باید هماهنگ و همگام با خصیصه‌های پست‌مدرنیسم برچیده گردد و همچنین چنانچه یک اندیشه، یک ایدئولوژی، یک فرهنگ در کلاس زبان در مرکز قرار گیرد، در آن صورت نیز مسئله شالوده‌شکنی و مرکززدایی طبق پست‌مدرنیسم می‌بایست عملی گردد؛ برای مثال چنانچه در کلاس زبان تنها یک فرهنگ کشور زبان مقصد پیشرو بوده و به سایر فرهنگ‌ها توجهی نگردد و فقط فرهنگ زبان مقصد مورد ستایش و بحث و گفتگو قرار گیرد، از نظر پست‌مدرنیسم این شیوه می‌بایست منسوخ شود. پست‌مدرنیسم بسیار بر کثرت‌گرایی تأکید دارد و معتقد است فقط یک فرهنگ، یک ایدئولوژی، یک اندیشه وجود

ندارد و از آنجاکه هر انسانی پیش‌دانسته خاص و تفکر و برداشت خاص و زمینه ذهنی متفاوتی از دیگری دارد، پس می‌توان به عقیده کثرت‌گرایی رسید (باقری، ۱۳۸۱: ۷۲).

در کلاس آموزش زبان این مهم به این معنی است که افکار و اندیشه‌ها باز مطرح می‌شوند و از باید و نبایدهای فرهنگی و از قضاوت در خصوص ارزش‌ها و ضدارزش‌ها جلوگیری می‌شود. آنچه به‌عنوان سمبل بدی و خوبی تاکنون وجود داشته در پست‌مدرنیسم مفهومی ندارد و تجربیات، علایق، عقاید، سؤالات و انتقادات آزادانه مطرح می‌شود. زبان‌آموزی که در دنیای اطراف خود، هربار با وضعیت اجتماعی، ملیت و قومیت، مهاجرت و همسایگان و غیره و رویدادهای جدید مواجه می‌شود، باید که در کلاس آموزش و محتوی آموزشی پذیرش و نحوه برخورد این تغییرات و توسعه‌های پیش‌آمده و پیشرفت‌ها مدنظر قرار داده شده و برنامه‌ای برای آن در نظر گرفته شود. موضوعات و سرگرمی‌های کلاس موردعلاقه بسیاری از زبان‌آموزان نیست و آنچه از نظر آن‌ها جالب است و به آن‌ها انگیزه می‌دهد منطبق بر محتویات آموزشی نیست و آن‌ها این محتویات آموزشی را بی‌ارتباط ارزیابی کرده و از روش‌ها و کانال‌های مختلف و متنوع دیگر برای یادگیری مطلع می‌شوند. طبق نظر محققان، محتویات درسی کلاس زبان دوره پست‌مدرنیسم باید شامل نوعی تربیت تحولی و محتویات کلاس نیز باید منعطف، سازگار و مشارکتی باشد.

به‌طور خلاصه می‌توان از مقاصد کلاس یادگیری زبان خارجی از دیدگاه پست‌مدرنیسم به موارد ذیل اشاره نمود:

- در کلاس آموزش زبان خارجی، علی‌الخصوص کلاس‌هایی که در کشور زبان مقصد برگزار می‌شود، وجود فرهنگ، نژادها و زبان‌های متفاوت اجتناب‌ناپذیر است. از دیدگاه پست‌مدرنیسم ارج نهادن به این تفاوت‌ها معنی و اهمیت بیشتری یافته و باتوجه‌به اینکه هدف مشترک یادگیری زبان مقصد است، اما ریشه زبان‌آموزان با هم تفاوت داشته و این تفاوت‌ها نباید باعث تبعیض و تمایز گردد. حتی توجه بیش از اندازه به یک فرهنگ مثلاً فرهنگ کشور زبان مقصد نیز جایز نبوده و همه فرهنگ‌ها باید شنیده شوند.
- شیوه اداره کلاس آموزش زبان نسبت به کلاس‌های علوم دیگر متفاوت‌تر است. پست‌مدرنیسم بدان اشاره دارد که از روش‌های سنتی ارائه درس پرهیز و به روش‌های پست‌مدرنیسمی به ارائه درس و اداره کلاس پرداخته شود. برای مثال معلم به‌عنوان متکلم وحده در کلاس نخواهد بود؛ یا طرز نشستن زبان‌آموزان با کلاس‌های دیگر متفاوت است. مثالی دیگر در بحث فراگیری و تمرین بر خواندن متون این‌گونه نباشد که زبان‌آموز متن را بخواند و به متن و نویسنده ایمان داشته باشد، بلکه می‌تواند محتویات متن را از دیدگاه خود بررسی کرده و به مخالفت با آن بپردازد؛ بحث و مذاکره کند که این همان روحیه موردنیاز در کلاس زبان است.
- متون و مباحث درسی نیز باید به‌روز بوده تا بتواند انگیزه موردنیاز زبان‌آموز برای بحث‌وبررسی و تفکر در خصوص محتوی را برانگیزد. گاهی می‌بینیم برای زبان‌آموز دوره پست‌مدرنیسم مبحث مربوط به جنگ جهانی،

شکست‌ها، ناکامی‌ها و حتی ادبیات پس از جنگ خسته‌کننده، نامفهوم، غیرجذاب، غیرضروری و حتی غیرواقعی بوده و این دلسردی برای آموزش و یادگیری برای زبان‌آموز خوشایند نمی‌باشد.

- همان‌طور که اشاره شد بحث گفتمان در کلاس پست‌مدرنیسم مهم و مطرح است و این نیاز صددرصد کلاس آموزش زبان است که در آن زبان‌آموز به بحث و مذاکره به زبان مقصد بپردازد. بحثی عاری از هرگونه قضاوت و توهین به نظر دیگری و یا برتری فرهنگ که تفاوت‌ها را شناخته و به آن ارجح می‌نهند و به این ترتیب شیوه دموکراسی موردنظر پست‌مدرنیسم در کلاس آموزش زبان نیز پیاده خواهد شد.
- فراهم آوردن زمینه تفکر انتقادی نیز از ویژگی‌ها و مقاصد تعلیم و تربیت در دوره پست‌مدرنیسم به‌شمار می‌رود که زبان‌آموز را به تفکر در محتویات متنی که پیشرو دارد واداشته و از وی خواسته می‌شود آنچه را می‌خواند حجت ندانسته؛ بلکه درباره آن بیندیشد و براساس پیش‌دانسته‌ها و تجارب خود آن را محک بزند و این‌گونه کلاس آموزش زبان در دوره پست‌مدرنیسم می‌تواند به مقصد تفکر انتقادی دوره پست‌مدرنیسم دست یابد.

۴. نقش معلم در کلاس درس از دیدگاه پست‌مدرنیسم

یکی از اصلی‌ترین نقش‌ها در کلاس درس، نقش معلم است. وی مسئول یادگیری و سازماندهی محیط کلاس با هدف یادگیری و فراهم‌کننده شرایطی است که دانش‌آموزان بتوانند به‌سوی اهداف پیش‌بینی‌شده حرکت کنند. وی شرایطی فراهم می‌آورد که زبان‌آموز تجربیاتش را بازاندیشی کند. راه‌کارها را بشناسد و بیان کند. بیشترین نقش آن‌ها هم‌چگونه یاد دادن به دانش‌آموزان است. نقش انگیزه‌دهندگی، تسهیل جریان یادگیری و تسهیل خلاقیت دانش‌آموزان را دارند؛ آن‌ها با دانش‌آموزان باهم یاد می‌گیرند (فرمینی‌فراهانی، ۱۳۸۳: ۵۹)؛ یعنی شرایطی که در کلاس زبان مانند هر کلاس دیگر معلم به زبان‌آموز انگیزه جهت بیان تجربیاتشان با هدف رشد دادن مهارت صحبت کردن به زبان خارجی را می‌دهد و بستری را فراهم می‌آورد که زبان‌آموزان با هم در کلاس به بحث و گفتگو و تقابل نظرات و دیدگاه‌ها بپردازند و از این طریق هم مهارت شنیدن و هم صحبت کردن را تقویت می‌نماید و زبان‌آموز که فقط در اندیشه بازگویی تجربیات و یا به ثبات رساندن تفکر و یا انتقاد درباره موضوع موردبحث است، به‌طور ناخودآگاهانه به فراگیری زبان که همان هدف حضور وی در کلاس است، مشغول می‌شود؛ بنابراین معلم می‌تواند به اعمال ویژگی‌های پست‌مدرنیسم از جمله ایجاد تفکر انتقادی، ارجح نهادن به نظر و تفکر دیگران، گفتمان و انتخاب موضوع جذاب و مدرن برای بحث در کلاس جامه عمل بپوشاند. حتی اگر عصر فراروایت‌ها به‌سر آمده باشد، وجود معلمان برای افشای ماهیت و خطر روایت‌های کلان و تشدید آگاهی در این زمینه لازم است. شاید بتوان ماشین‌های هوشمند را در ایجاد مهارت‌ها و انتقال معلومات به‌جای معلم نشانده؛ اما ایجاد فهم، الهام‌بخشی و تأمین یک الگوی انسانی از وظایف معلم است. معلم زبان‌آموز را به جایی می‌رساند که بتواند وی را از دیگری؛ به عبارتی، فرد دیگر یا فرهنگ دیگر مطلع سازد؛ یعنی توجه به دیگری که یکی از مقاصد و ویژگی‌های آموزش در دوره پست‌مدرنیسم است که معتقد است به همه فرهنگ‌ها باید توجه شود و کلاس طوری هدایت شود که به شناخت مرزها و کشف و درک تفاوت‌ها بینجامد (باقری، ۱۳۸۱: ۷۴).

نقش معلم در معطوف کردن ذهن دانش‌آموز به دیگران هم مهم است (باقری، ۱۳۸۱: ۷۵). معلم زبان با افرادی ناهمگن از فرهنگ‌ها و عقاید و سطح دانش و هوش و معرفت متفاوت مواجه است که می‌بایست موضوعات جهت بحث و گفت‌وگو در کلاس را به‌نحوی هوشمندانه انتخاب کند که هم برای زبان‌آموزان جذاب بوده و هم هیچ‌گونه هتک حرمت و ناراحتی و یا عدم درک فرهنگی را برایشان به‌وجود نیاورد که در غیر این صورت با بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی زبان‌آموزان مواجه خواهد شد. سؤال و جواب کردن معلم از دانش‌آموز در خصوص نگاه انتقادی به متن و تجزیه و تحلیل متن هم از وظایف دیگر معلم است.

باتوجه به نکاتی که در خصوص آموزش زبان از دیدگاه پست‌مدرنیسم مطرح شد، پیشنهاد می‌شود راه‌کارهایی به شرح ذیل جهت تغییر فضای آموزش زبان خارجی در کلاس به‌طور جد صورت پذیرد:

- شرکت‌دادن همه زبان‌آموزان در پرسش و پاسخ و مباحث مطروحه در کلاس فارغ از فرهنگ، ملیت، دین، نقاط قوت و ضعف آن‌ها در فضای مکالمه.
- ایجاد فضای مناسب، صمیمی، پرنشاط که می‌بایست توسط معلم با روحیه و انرژی بالا صورت پذیرد که متعاقباً زبان‌آموز با انرژی و طیب خاطر در کلاس آموزش شرکت داشته، اندیشه‌های خود را به اشتراک بگذارد و بیشترین بهره را دارا باشد.
- راه‌اندازی بحث و گفت‌وگو در خصوص موضوعات باب جامعه و قشر خاص زبان‌آموزان در کلاس و کشف نظرات آن‌ها در محیط صمیمی توسط معلم که لازمه آن نیز آگاهی معلم از مباحث روز است، فارغ از هرگونه قضاوت و یا راستی‌آزمایی، موضع‌گیری در برابر نظر زبان‌آموز و یا تأکید بر یک اصل یا اصول قالب.
- استفاده از روش‌های آموزشی به غیر کتاب؛ مانند بررسی فیلم، رمان‌های جدید و به‌روز شده و به اشتراک گذاشتن نقطه‌نظرات. یکی از موضوعات جذاب برای زبان‌آموزان در اکثر رده‌های سنی تماشای فیلم، سریال و یا انیمیشن است که آن‌ها هم با اشتیاق به تماشای آن پرداخته و هم مایل‌اند نظر خود را درباره فیلم و کاراکترهای آن اظهار دارند؛ حتی خود را در نقش کاراکتر اصلی تصور و در متن داستان تصمیم‌گیری کنند. البته نیاز مبرمی به بخش فیلم در کلاس و یا خواندن کتاب به زبان مقصد نیست؛ زبان‌آموزان می‌توانند به تماشای فیلم یا خواندن کتاب را در اوقات فراغت بپردازند و در کلاس نقطه‌نظرات خود را عنوان نمایند و به بحث و گفت‌وگو بپردازند.
- گروه‌بندی زبان‌آموزان باهدف به اشتراک گذاشتن نظرات در خصوص پروژه‌ای مشترک. زبان‌آموزان با هم فکر می‌کنند و تبادل اطلاعات و نظرات دارند؛ با همکار تیمی را یاد گرفته و خود را با آن وقف می‌دهند؛ حتی می‌توانند فارغ از موضع‌گیری‌های قومی و فرهنگی، به انتخاب اعضای گروه یک نماینده برای گروه خود انتخاب کنند که نتایج همفکری‌های تیم را بازگو کرده و از آن‌ها در قبال تیم مقابل دفاع نماید و این‌گونه در راستای فراهم‌سازی تفکرات دموکراسی گام بردارد.

- کمک به زبان آموز و ترغیب وی به تفکر انتقادی در مورد آنچه به عنوان متن نوشتاری یا شنیداری پیشرو دارد.

۵. نقش جلوه‌های بصری هنر اسلامی در آموزش زبان خارجی

هنر و شاخه‌های مختلف آن از مهم‌ترین عوامل در بیان مقاصد، افکار، عقاید و نیازهای درونی بشر محسوب می‌شود. اشتغال به فعالیت‌های هنری می‌تواند علاوه بر پرورش حس زیبایی‌دوستی، نقش مؤثری در رشد شخصیت، شناخت مشکلات و نابسامانی‌های روانی و درمانی وی داشته باشد. به‌خصوص این امر در کم‌کردن مشکلات روحی و روانی کودکان بسیار مؤثر است. در این زمینه، کودکان باید یاد بگیرند که چگونه جزئیات یک کار هنری را فرا گیرند که در صورت موفقیت در این کار، برداشت فکریشان نسبت به اشیاء و دنیای خارج آشکار می‌شود و در نتیجه، توانایی فکری آن‌ها رشد و تکامل می‌یابد و قدرت درکشان قوی‌تر می‌شود (تقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱). با این تفاسیر، هنر اسلامی باتوجه به تنوع و گستردگی دایره شمول و جلوه‌های بصری چون کاربست نور، نمادگرایی و تنوع رنگ‌ها و نقوش دارای ظرفیت زیادی در آموزش و به‌خصوص آموزش مجازی زبان‌های خارجی است.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های بصری هنر اسلامی تنوع کاربست رنگ‌ها است. تأثیر روانشناسی رنگ در آموزش مجازی می‌تواند اثرات متنوعی را بر روی دانش‌آموزان داشته باشد. رنگ‌ها به‌عنوان یک ابزار قدرتمند در طراحی آموزش مجازی می‌توانند تأثیر زیادی در حالت روحی و تمرکز دانش‌آموزان داشته باشند. در زیر به برخی از تأثیرات روانشناسی رنگ در آموزش مجازی اشاره می‌شود.

۱. ایجاد انگیزه و تمنای یادگیری: رنگ‌ها می‌توانند احساسات و انگیزه دانش‌آموزان را تحریک کنند. رنگ‌های پررنگ و شاد می‌توانند انرژی و اشتیاق را در دانش‌آموزان ایجاد کنند و آن‌ها را به‌سوی یادگیری مشتاقانه سوق دهند.
۲. انتقال احساسات و مزاج: هر رنگی می‌تواند احساسات و مزاج مختلفی را به دانش‌آموزان منتقل کند. برای مثال، رنگ قرمز می‌تواند احساس تحریک و انرژی را برانگیزد، رنگ آبی می‌تواند احساس آرامش و تمرکز را القا کند و رنگ سبز می‌تواند احساس طبیعت و تجدیدنظر را به‌وجود آورد.
۳. توجه و تمرکز: استفاده از رنگ‌های مناسب می‌تواند تمرکز و توجه دانش‌آموزان را بهبود بخشد. برای مثال، استفاده از رنگ زرد بر روی جزئیات مهم یا نکات کلیدی می‌تواند توجه دانش‌آموزان را به آن جلب کند.
۴. سازگاری و برانگیختن علاقه: استفاده از رنگ‌های مناسب و جذاب می‌تواند علاقه و تمایل دانش‌آموزان به مشارکت در فرایند آموزش را بالا ببرد (قربانی: ۱۳۹۴). بنابراین، کاربرد رنگ و دیگر جلوه‌های بصری در هنرهای اسلامی می‌تواند در افزایش یادگیری زبان‌های خارجی در آموزش مجازی نقش مؤثری داشته باشد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت آموزش و یادگیری زبان خارجی همانند سایر زمینه‌ها تحت تأثیر نظریه‌های پست‌مدرنیسم قرار گرفته است و کلاس درس و روش تدریس زبان خارجی نیازمند تغییر برای موفقیت سریع‌تر، ایجاد انگیزه بیشتر در یادگیری زبان خارجی است که متأسفانه هنوز روش تدریس قطعی و نهایی بر مبنای الگوهای پست‌مدرنیسم در دسترس نبوده و این مهم نیازمند تفکر و اندیشه بیشتری است. همان‌طور که مطرح شد پست‌مدرنیسم خاستگاه پویایی و جنبش و برگرفته از تأثیرات چندوجهی در اجتماع است و برای یافتن یک روش تدریس که پاسخگوی نیاز معلمان و زبان‌آموزان در رده‌های مختلف سنی باشد، باید نهایت انعطاف‌پذیری در طرفین و حتی در سیستم‌های بالاتر و سیاست‌گذار وجود داشته باشد. شاید برشمردن چند نکته در خصوص پیشبرد نظریه‌های پست‌مدرنیسم در کلاس زبان خارجی طی مقاله حاضر، بتواند در راستای یادگیری بهتر زبان نقش داشته باشد. همچنین به معرفی بیشتر نقش کاربست جلوه‌های بصری هنر اسلامی در آموزش زبان خارجی بپردازد.

فهرست منابع و مآخذ:

کتابها

- بیات، عبدالرسول و دیگران. (۱۳۸۵). فرهنگ واژه‌ها. تهران: انتشارات سمت، اندیشه و فرهنگ دینی.
- فرمهینی فراهانی، محسن. (۱۳۸۳). پست‌مدرنیسم و تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات آبیژ.
- لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۹۷۹). وضعیت پست‌مدرن. مترجم: حسنعلی نوروزی، تهران: انتشارات گام نو.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۷۹). پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم: تعاریف، نظریه‌ها و کاربردها، تهران: انتشارات نقش جهان.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۷۰). صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته. تهران: انتشارات نقش جهان.

مقالات

- باقری، خسرو. (۱۳۸۱). «تعلیم و تربیت در منظر پست‌مدرنیسم». مندرج در: م. مهر محمدی (پدیدآورنده)، برنامه درسی: نظرسنجی‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد: آستان قدس، ۶۳-۸۴.
- تقی‌زاده، علیرضا. (۱۳۸۴). «نقش هنر در آموزش و پرورش کودکان دبستانی». همایش سمپوزیوم علوم زمین. دوره ۲۴.
- سجادی، سید مهدی. (۱۳۷۹). «تربیت اخلاقی از منظر پست‌مدرنیسم و اسلام». فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۲، ۴۹-۸۹.
- فانی، حجت‌اله. (۱۳۸۳). «دلالت‌های تربیتی دیدگاه پست‌مدرنیستی لیوتار و نقد آن». مجله نوآوری‌های آموزشی، شماره ۹، ۶۶-۸۷.
- نجاریان، پروانه؛ پاک‌سرشت، محمدجعفر و صفائی مقدم، مسعود. (۱۳۸۲). «مضامین پست‌مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن». مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ش ۱، ۸۹-۱۰۶.